



MS مترجم

AoiHun.MS ادیتور

@iriSekai

جائز شرمه گستر

چه پیر همه.



هو ۰۰۳

اما...

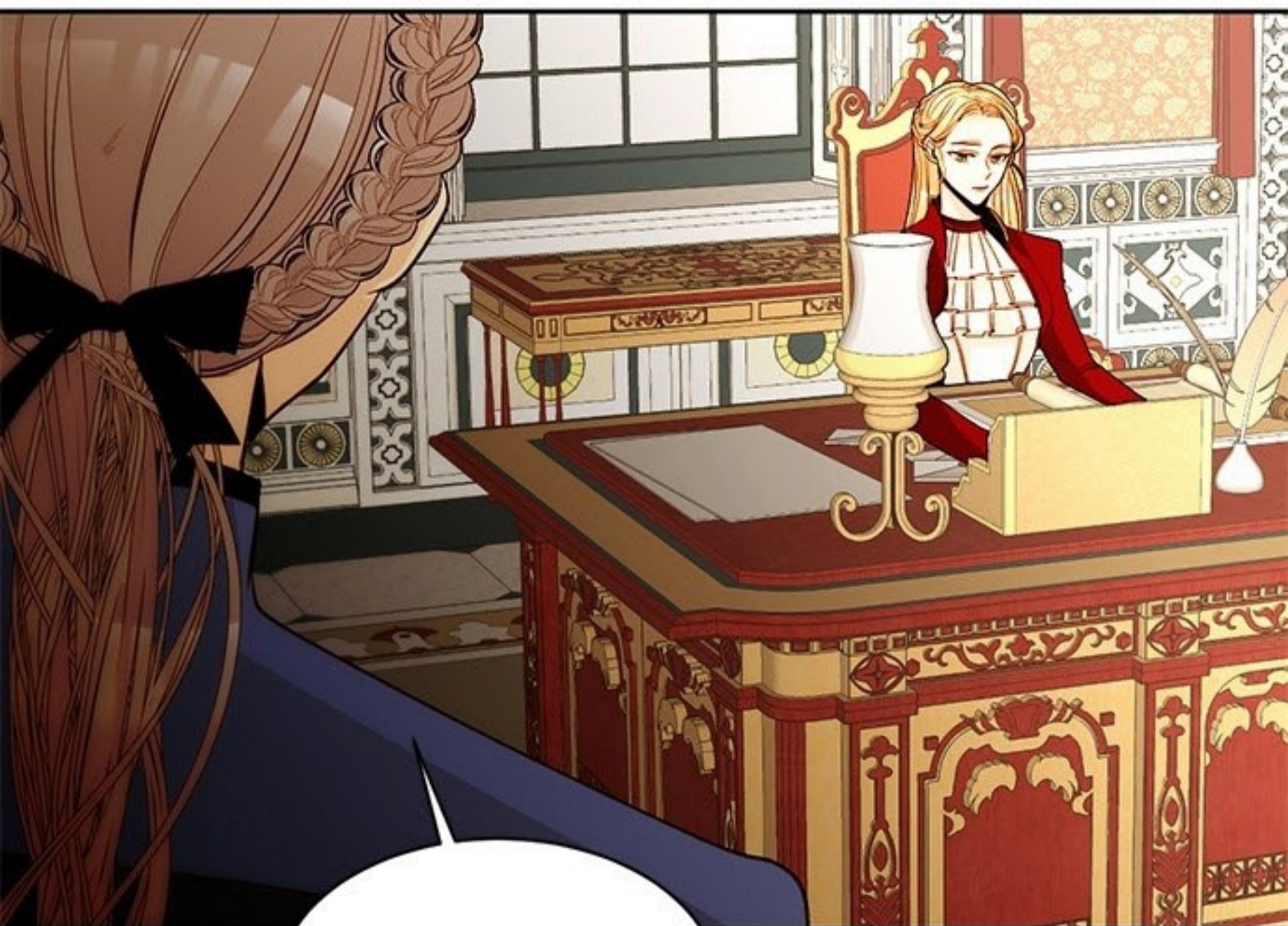
اما...



재혼왕후

그림 스펀
글 알파타르트





عذر میفوام سرور، م.



پرنس هاینلی بیرون
متنظر تون..

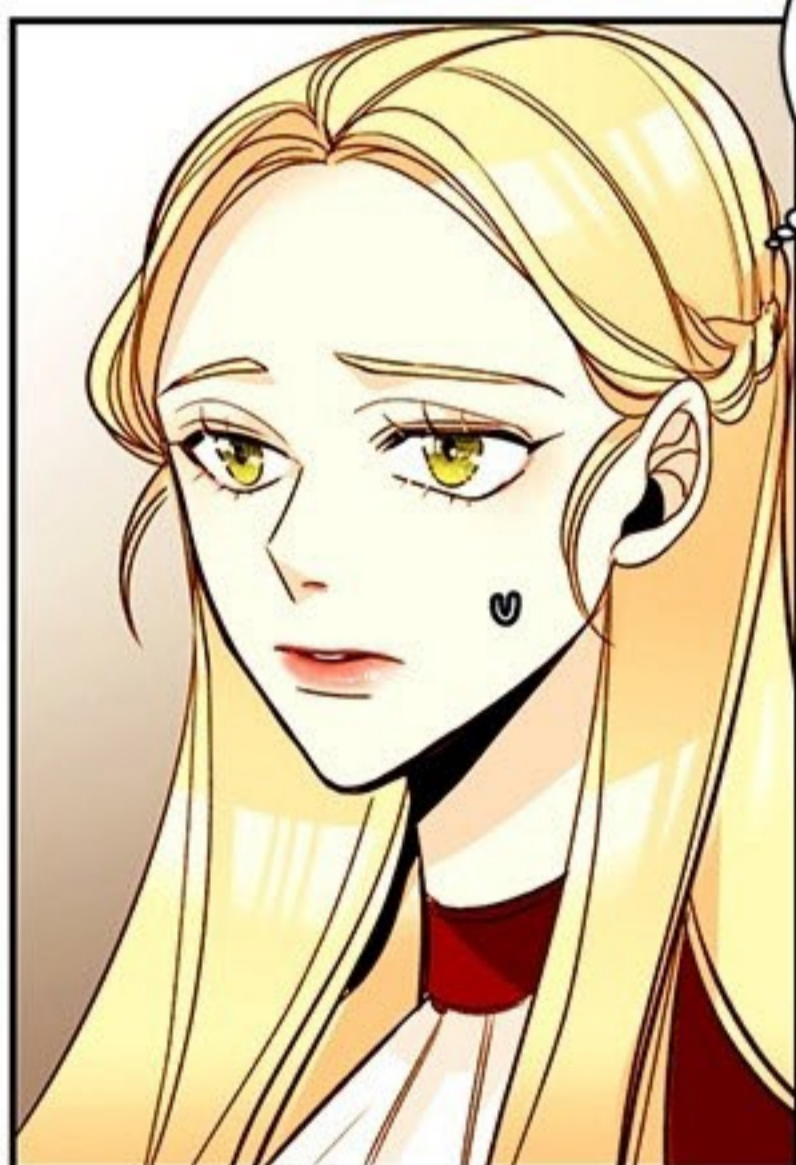


اِه، ملکه---

다들



*اومده پیرین صف
جیلر:

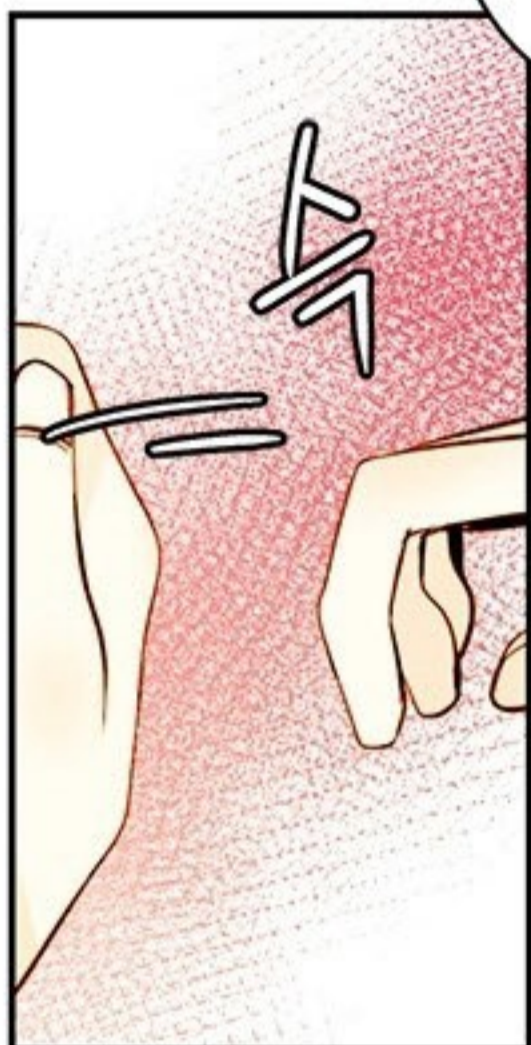


افه برا چی
اومده اینجا؟



دارم ازیتتون میکنم ملکه؟

نه، نمیکنید.



ازون مهمتر ، پی شمارو به
اینجا کشونده؟

میخواستم آگه میشه قصر
سلطنتی و بهوم نشون بدین.

نشون بدم؟

اره، میتروسم از بس که اینجا
بزرگه گم شم توش.

ایه

اه، آگه مشکل اینه که من به
قدمتکارم میگم—

نه ، ملکه ی من .



!!
?

میفوام اینکارو شفا انجام
بدین .

کینگ





این مرد...

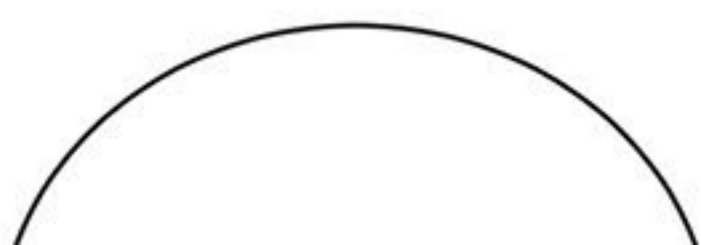


هی داره بهم می‌گه
ملکه..

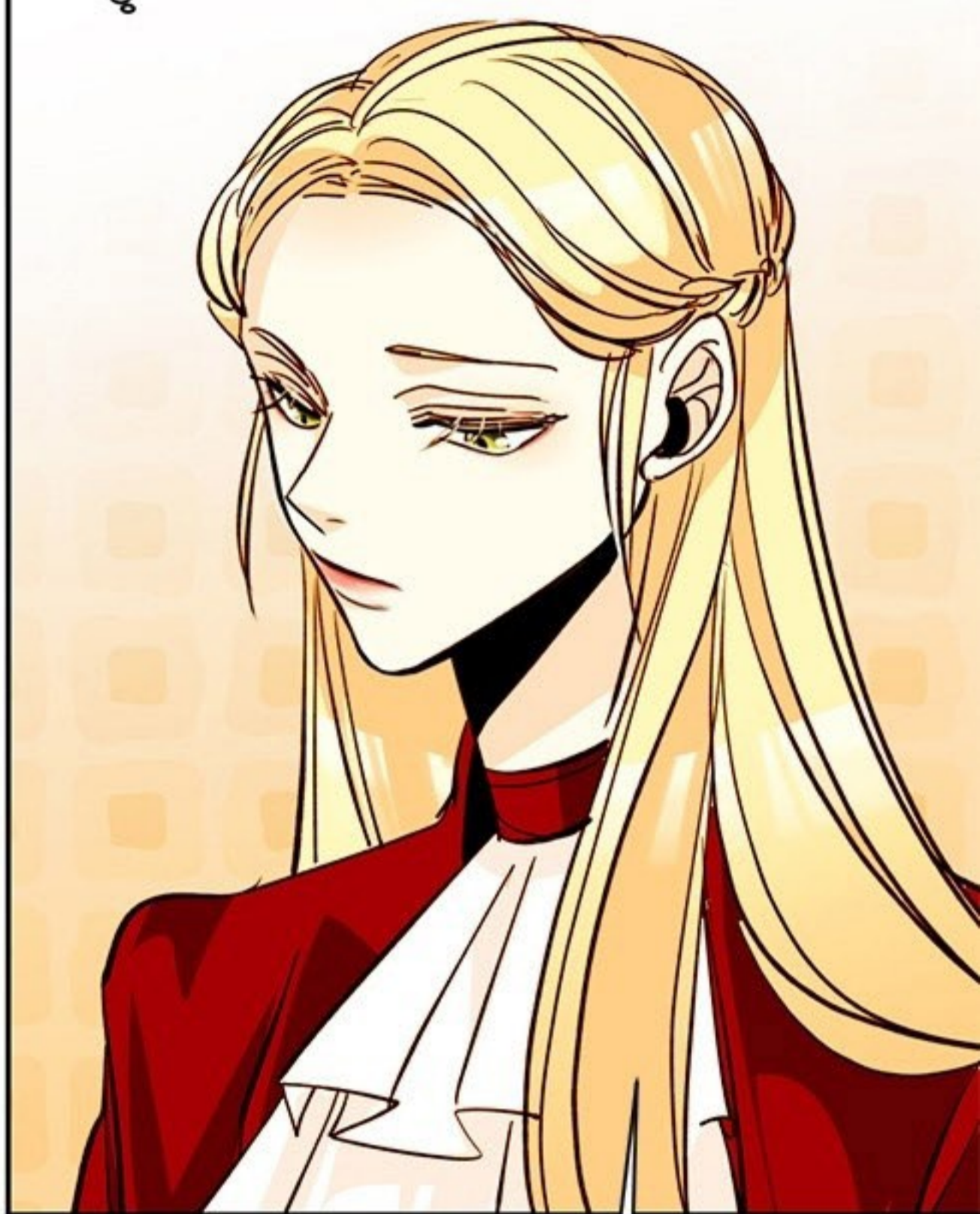


فواسته ی زیاده ملکه؟





ولی یه جوراییم
مغروره.



باشه.

نمیخوام با ولیعهد
پادشاهی غربی مشکلی
درست کنم.

고맙습니다

ممنون.

لطفاً دنبالم بیاید.

حال و هواش قشنگ
عوض شد.

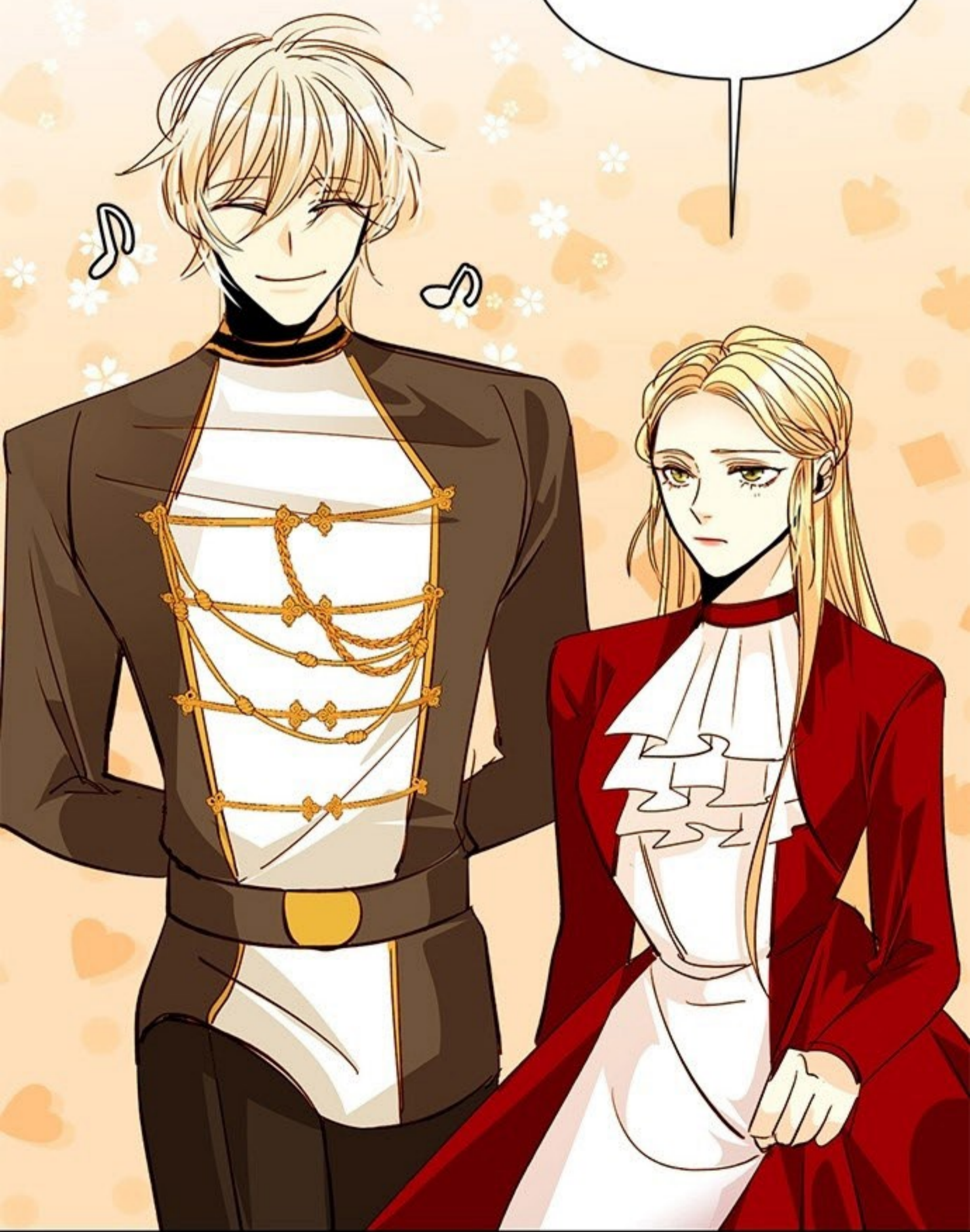


تا حالا باغ نقره ای و
که کنار قصر خارجیه
دیدین؟



معلومه.

هو ۴.. آكه اينچوريه..



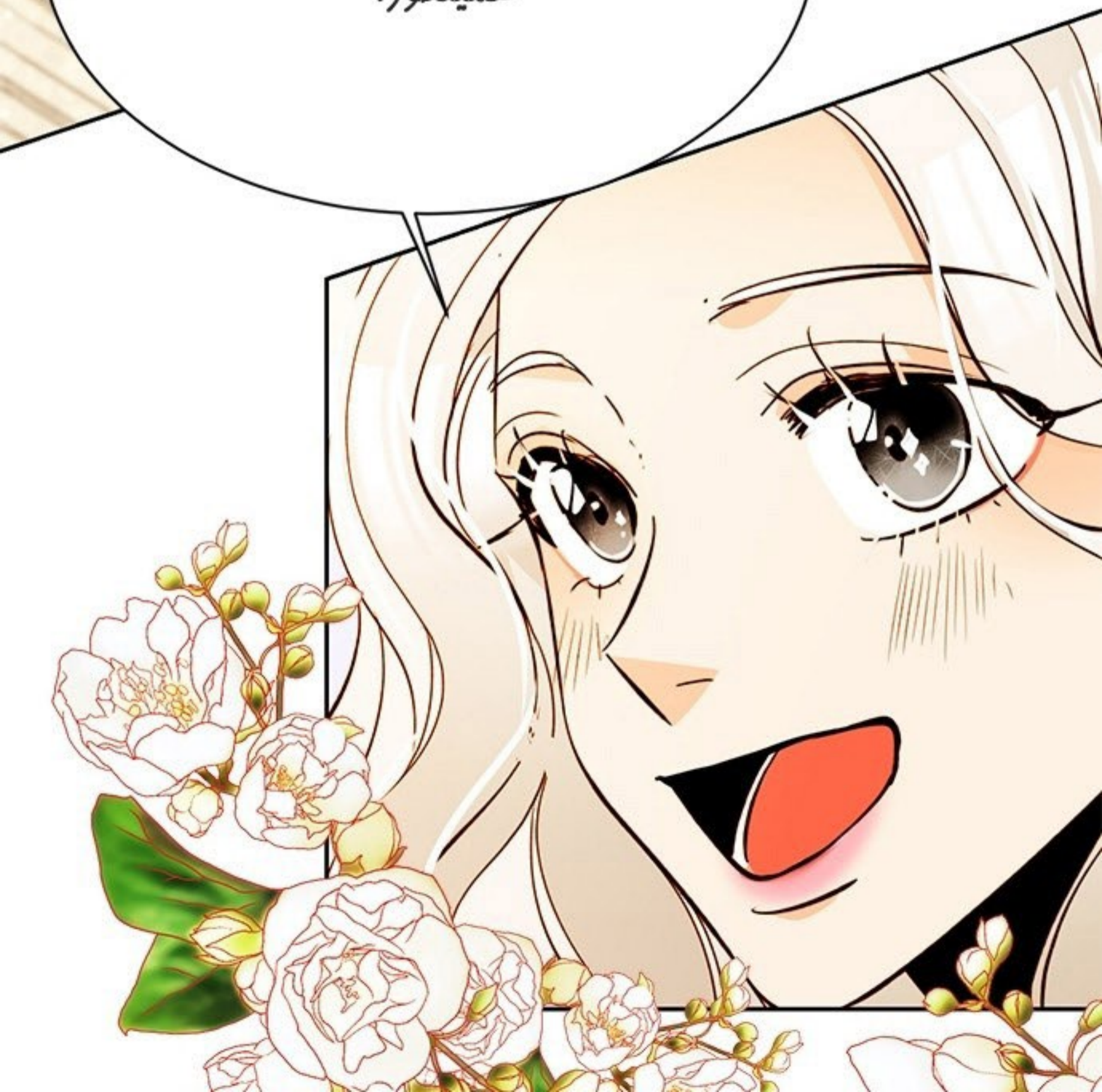
— ۴۹۳

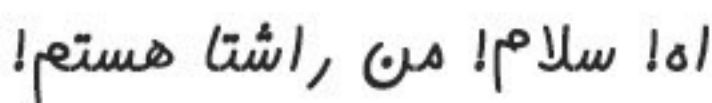
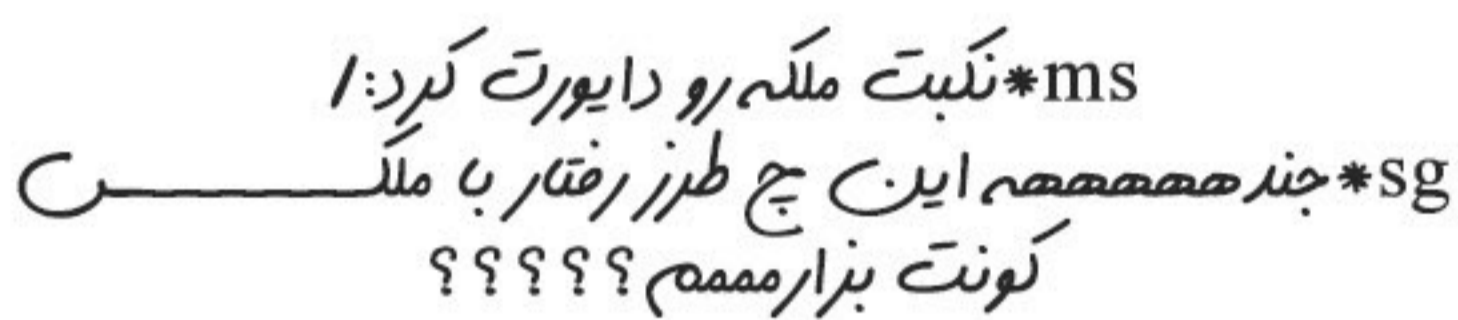
این صدا..

[illegible]



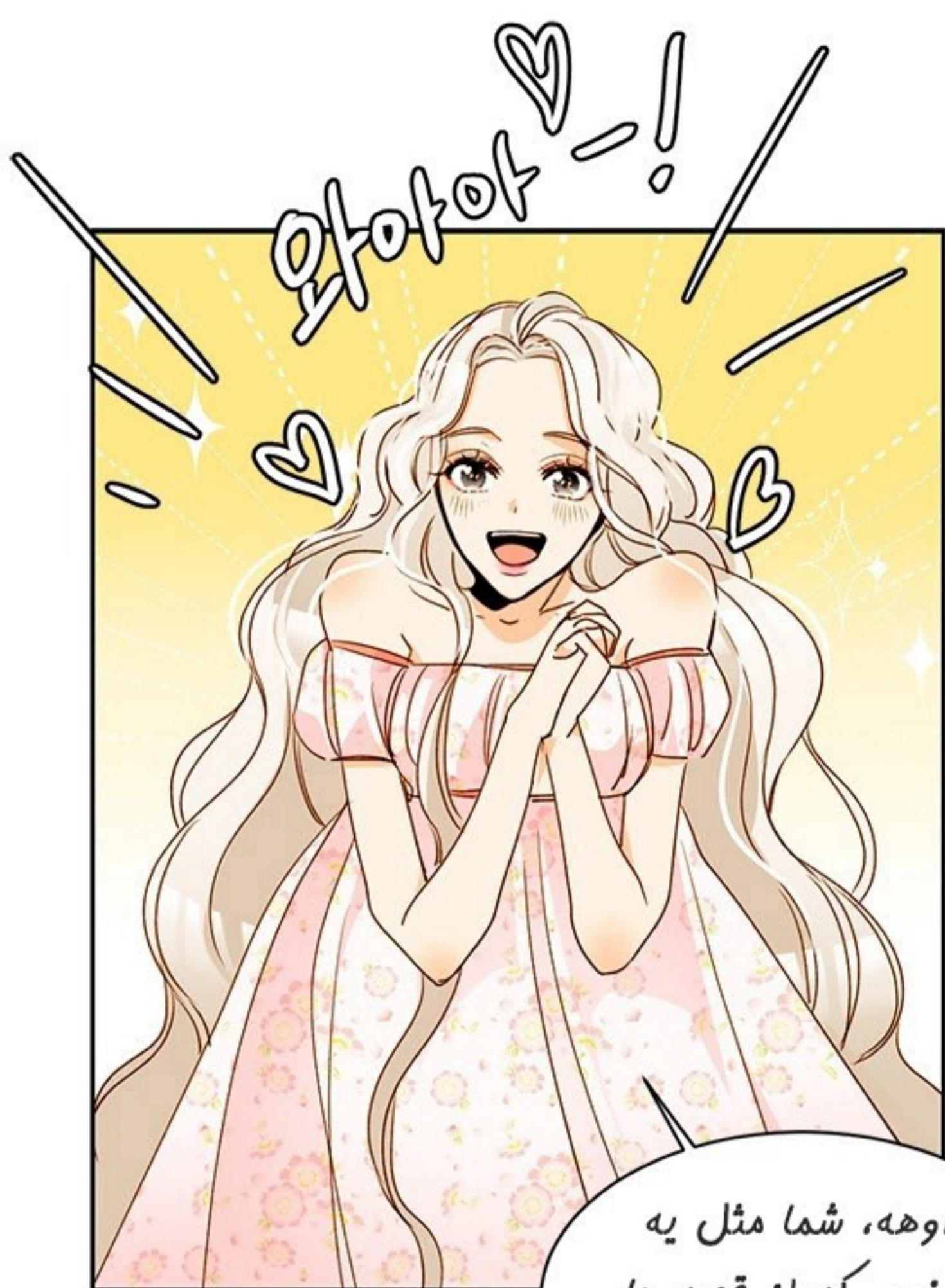
دارین قدم میزنید؟، اشته هم
همینطور!





سلام من هاینلی ام!

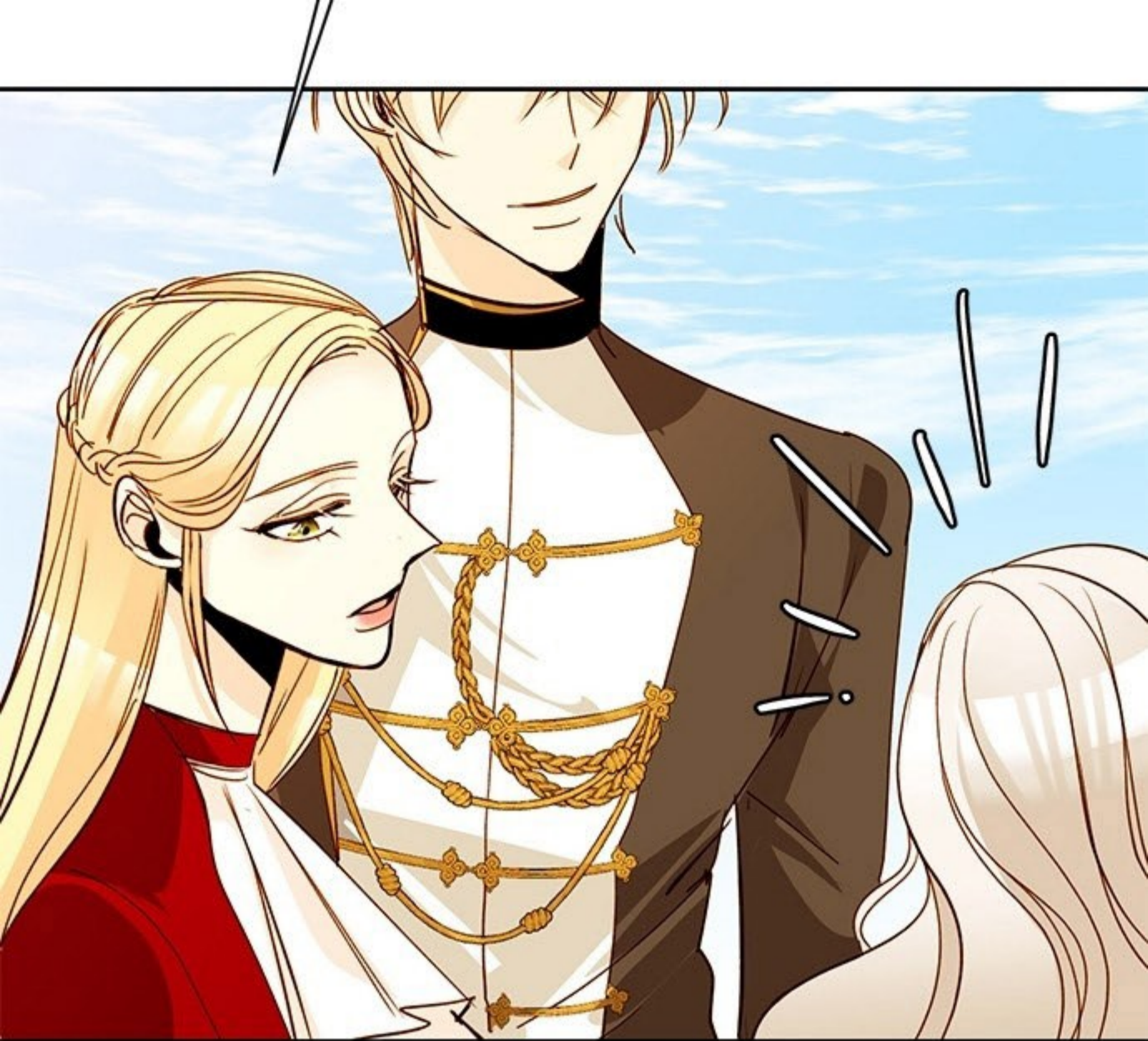




اوهه، شما مثل یه
پرنسی که از قصه ها
اومده، کی هستی؟

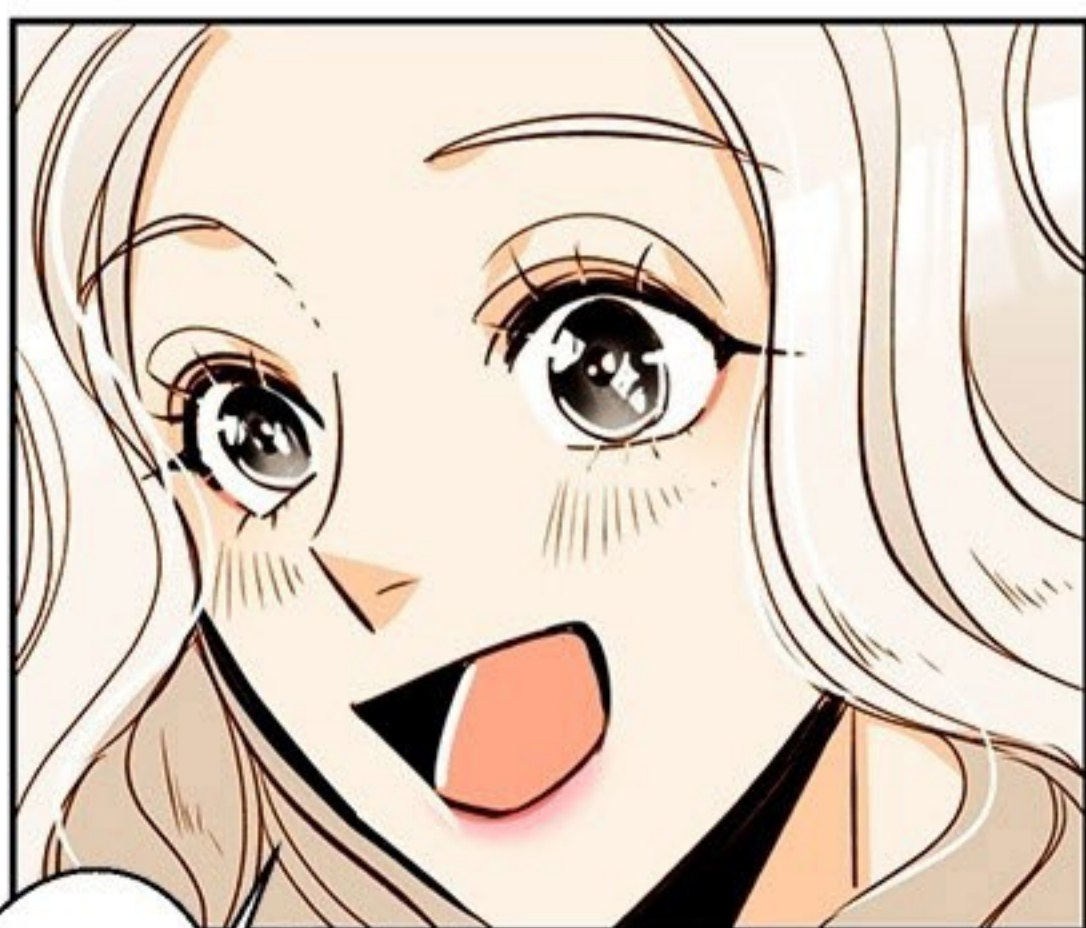
*نچایی کی وقت جنده
خانوم: ا دوتا دوتا

ایشون پرنس هاینلی از
پادشاهی غربیه.



وایی! این اولین باره که
راشتا یه پرنس واقعی میبینه!

اه!



پس، بهتون این دوروبر و
نشون بدم؟

ممنون بفاطر
پیشنهادتون بانو
راشتا ولی..

ملکه همین الانشم فیلی فوب
دارن همه جارو بهم نشون
میدن..





اڳه اينڊوريه پس
هرسه تامون مي-

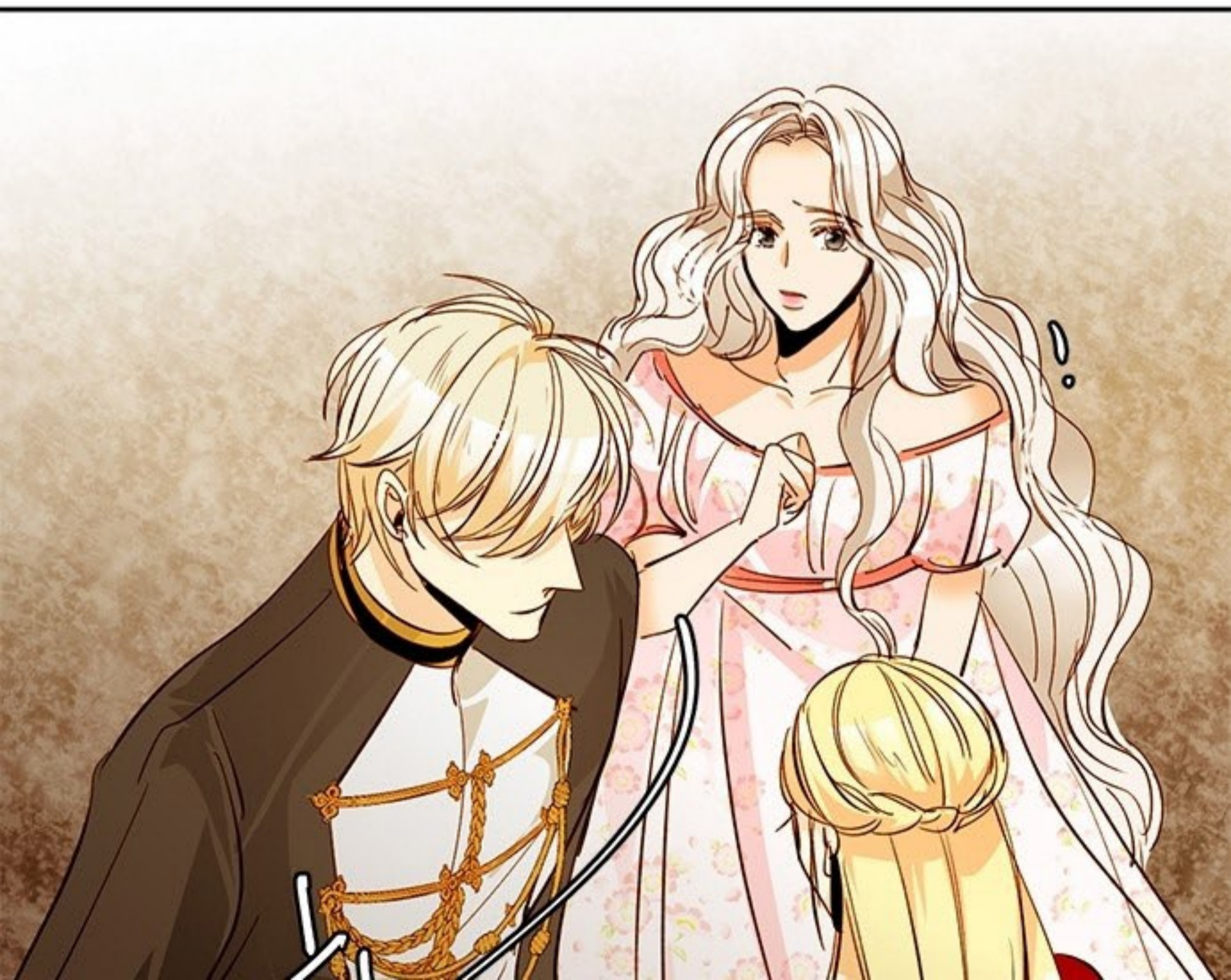
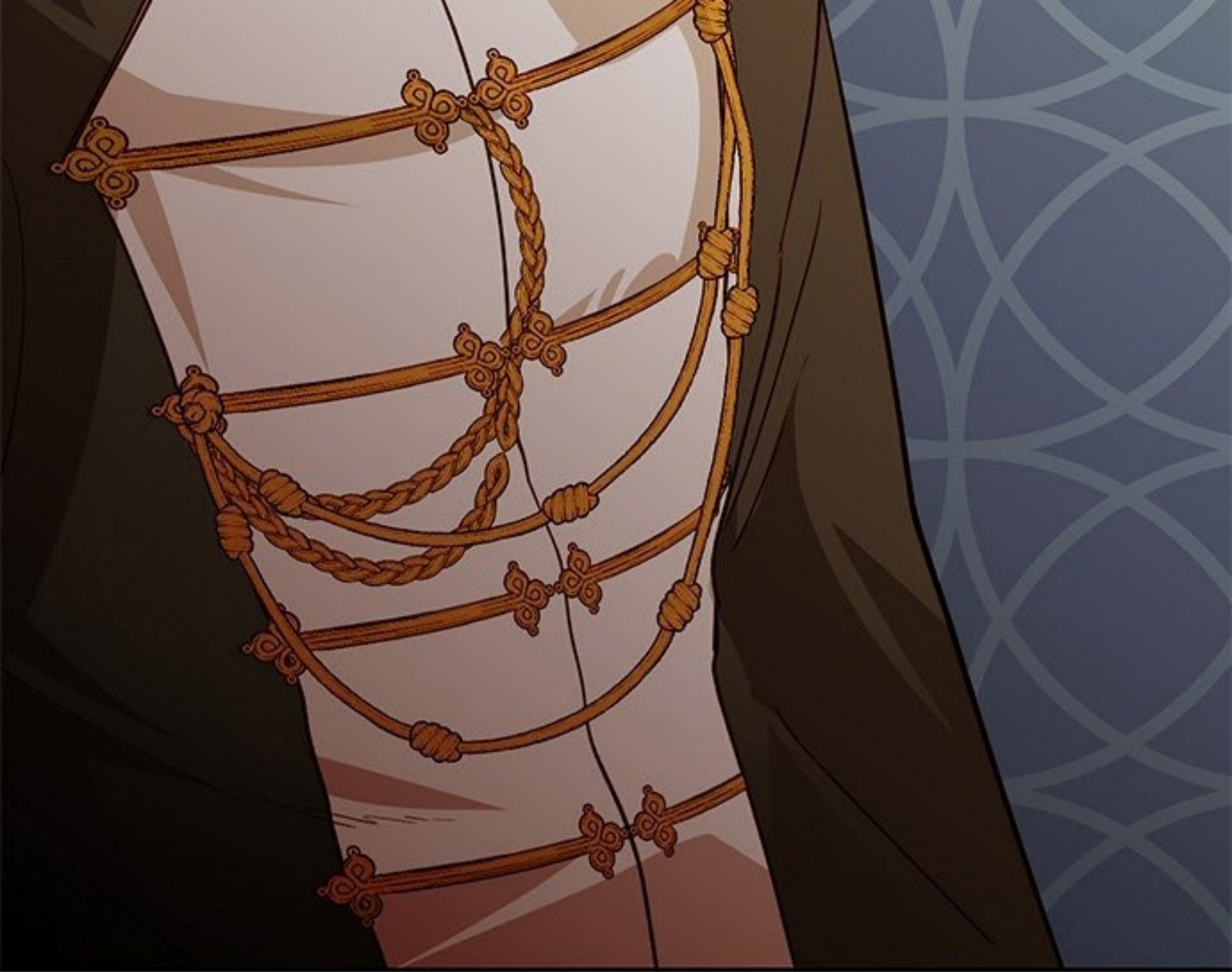
شرمنده بانو، اشتا
ولي..



بیت افتخار میکنم مرد:)
فوردیی چنده؟ حالا هستشو تف کن

سه نفر زیاده.







بریم ملکه.



!





پس اینقدر سردم
میتونه رفتار کنه.



ملکه.



؟

بله...؟



ای

من فوش قیافه نیستم...؟

سه کلاه
فیلی عجیبه. تاحالا مردم
فیلی سریع بهم توجه
میکردن.



ای



ولی چرا ملکه اینقدر
سرد باهام برخورد میکنه.





نکنه قیافم امروز
داغونه؟

시무룩

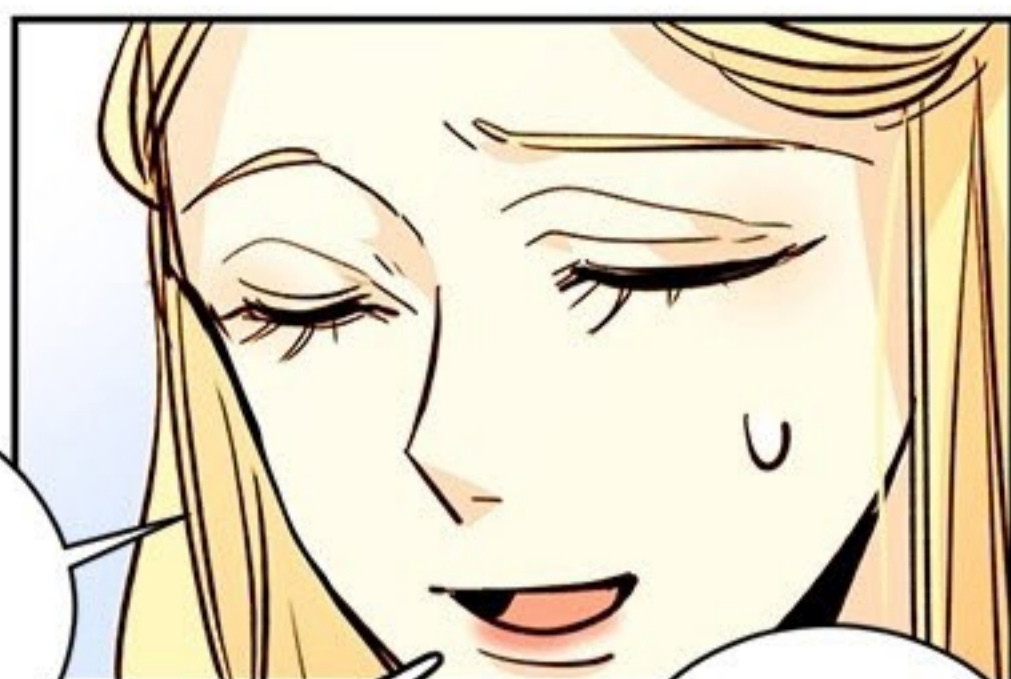
امروز فیلیم فغن تر
لباس پوشیدم که.



حرفی نداره که

پنه
○○○



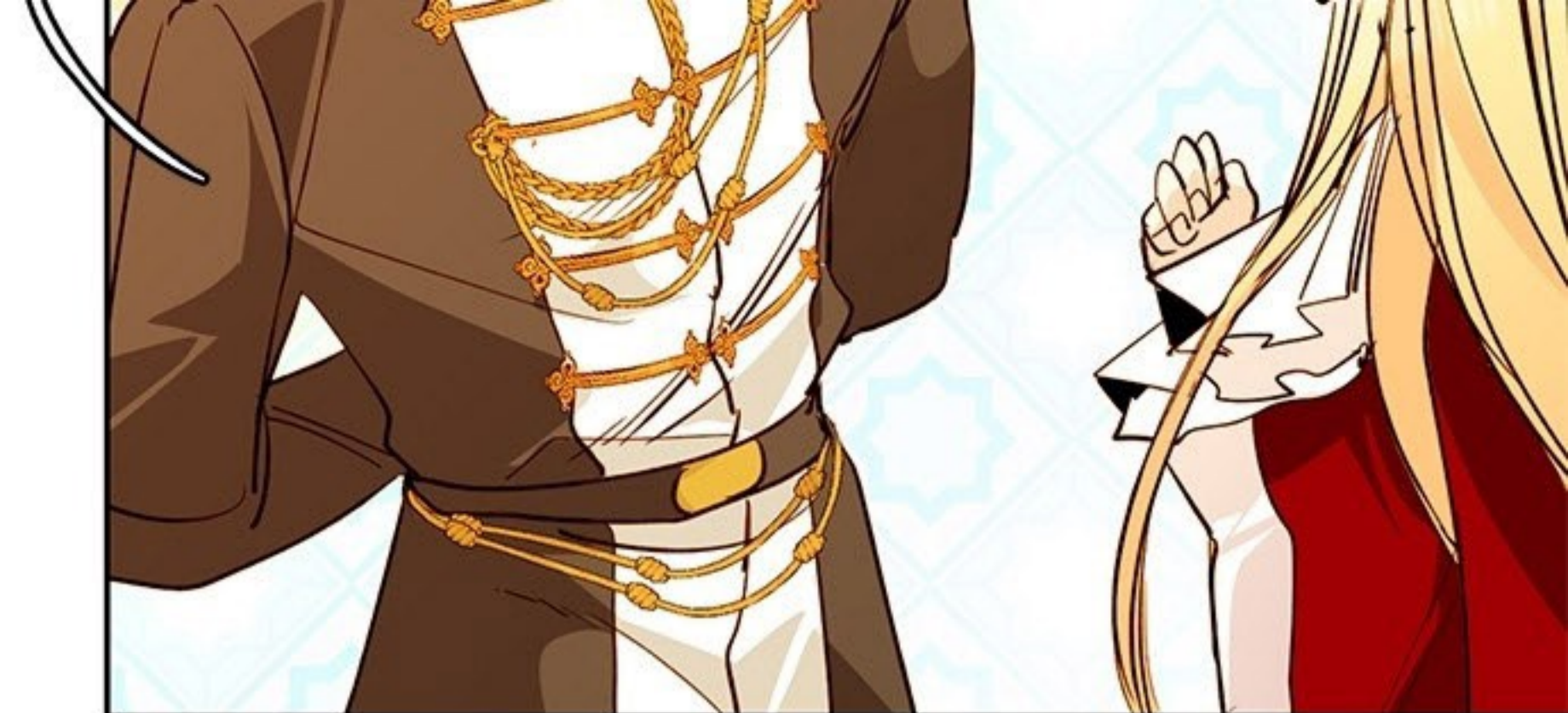


...نه ، شما
فوش —

١٥ ١٥
١٥

اوه نه شرمندره، افه الان خیلی
معذب به نظر میرسیدی.





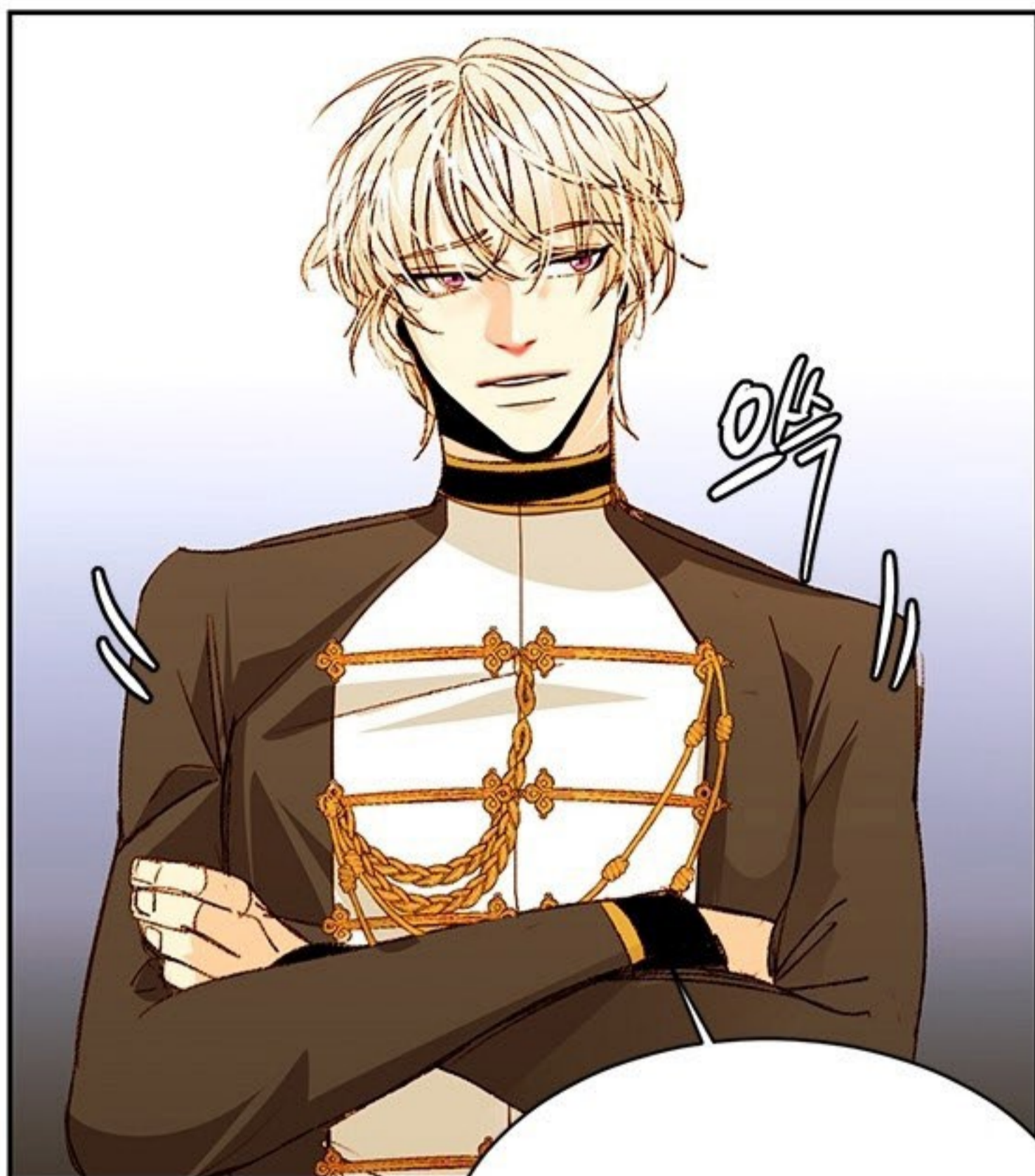
اون همون؛ نه؟





صیغہ ی امپراطور
شرقی؟





امپراطور شرقی مرد
عجیبیه.

افه پجوری میتونه از
همچین ملکه ی فوق
العاده ای رو برگردونه؟

*sg خدایی خار سلیقه امپراطورو
گاییدمممم
*ms سلیقه ای بی شغی





ملکہ قبلا دعوتنامہ ورود بہ
مہمانیتونو نگرختین؟

گرفتہم، ولی..



دوست دارم بہ عنوان
مہمون ملکہ پیام تا
امپراطور..

ممنونم از احساستون
ولی فب دعوت نامه ها
قبلا فرستاده شدن

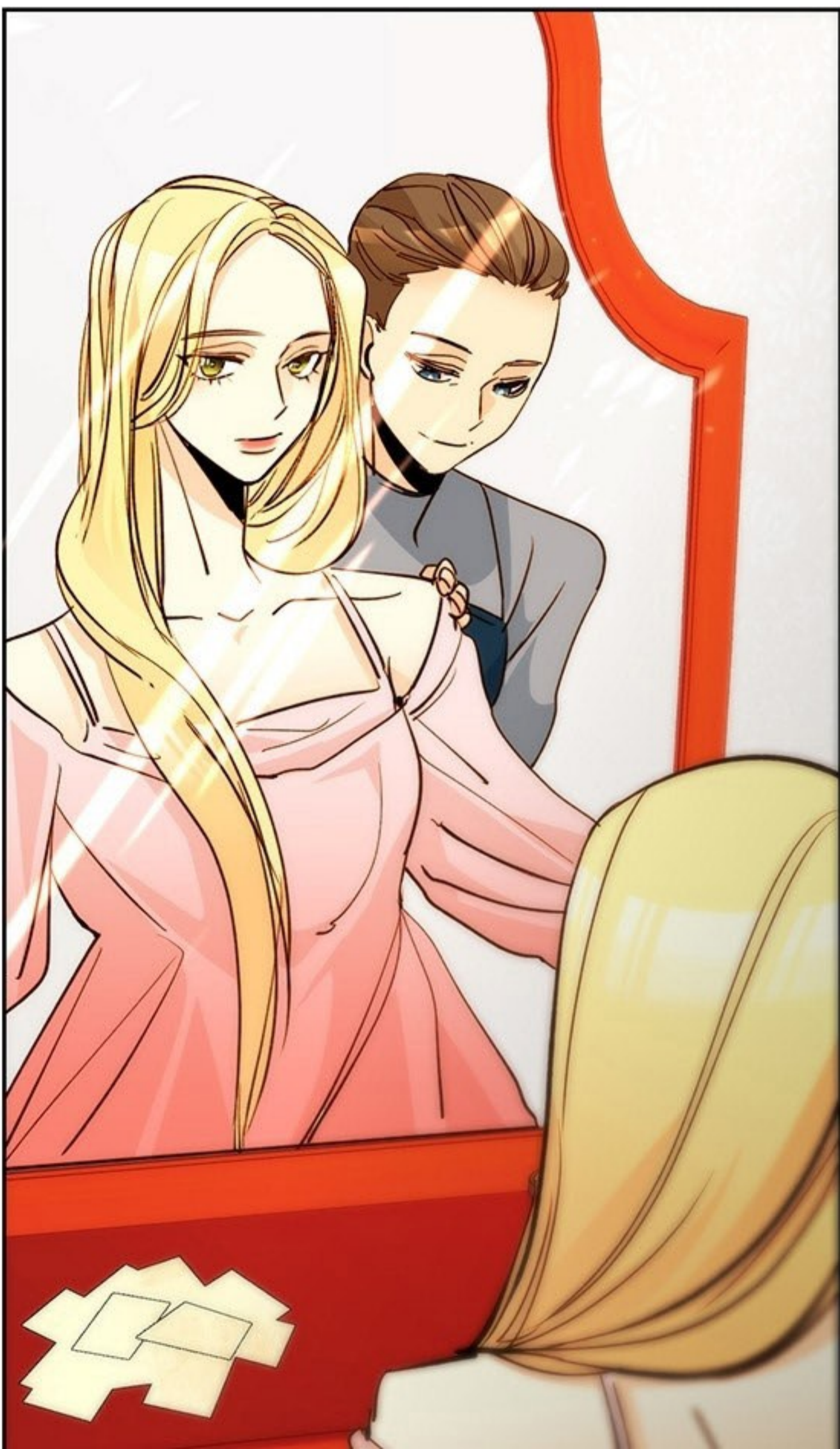
اگه اینجوریاس پس میشه که روی
دعوت نامه جای امپراطور و با
ملکه ی خودم عوض کنم؟

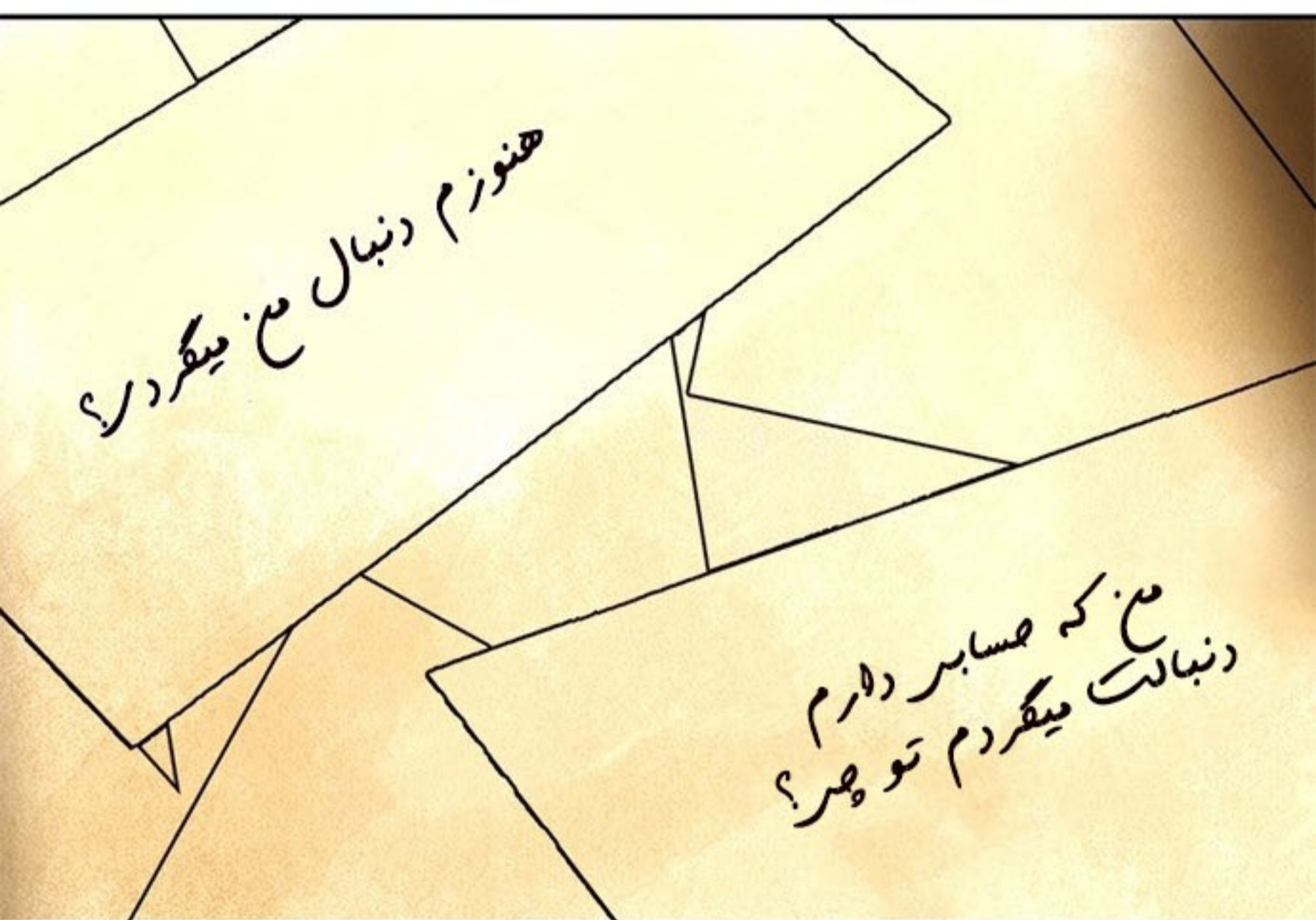






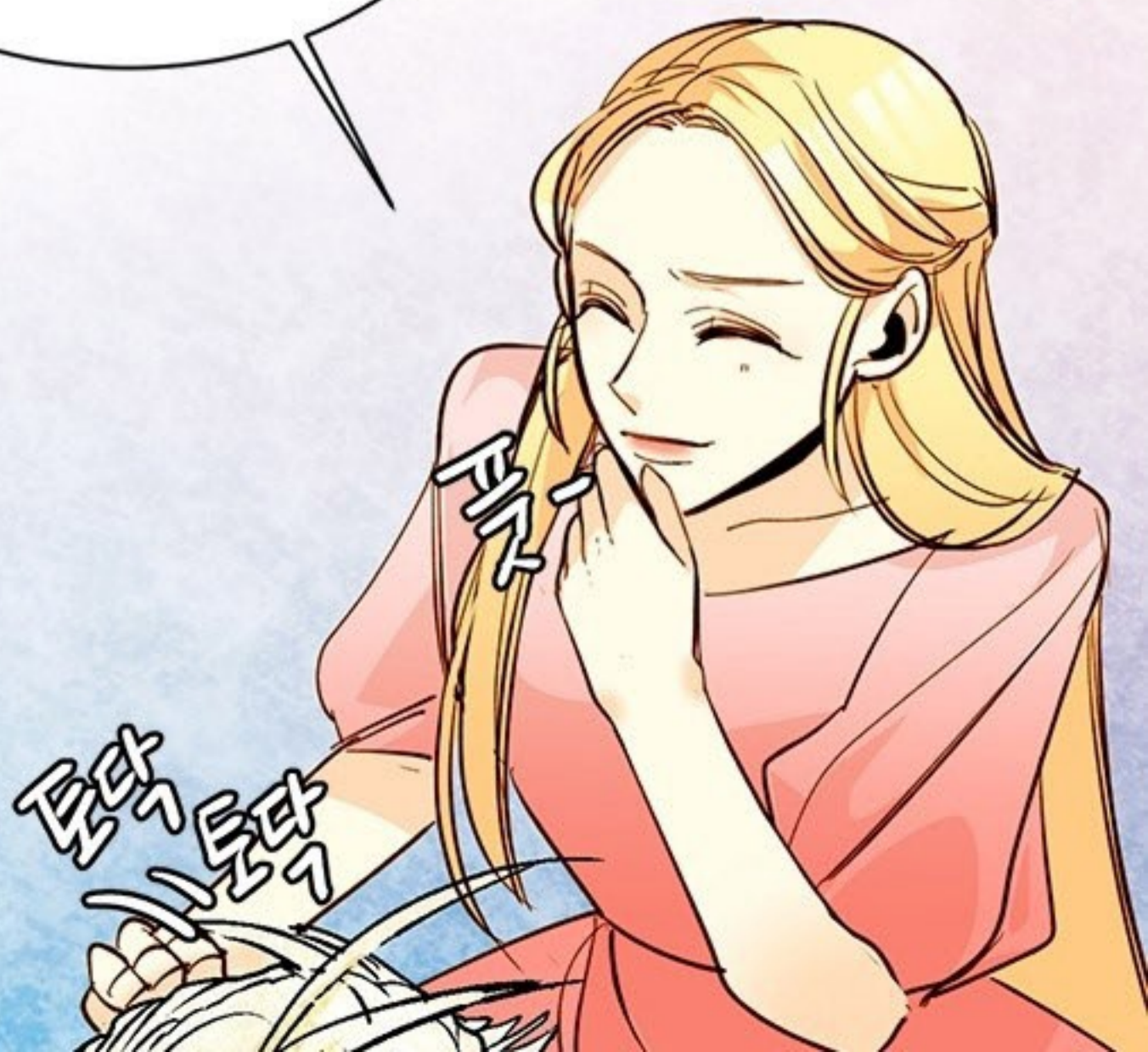
و سال نو، سید







چون نری روتو
میکنی اونور؟





귀엽긴

انگاری چون یہ دونه ای
فجالت میکشی

لطفا این نامرو هم مثل
همیشه ببر و مراقب خودت
باش.



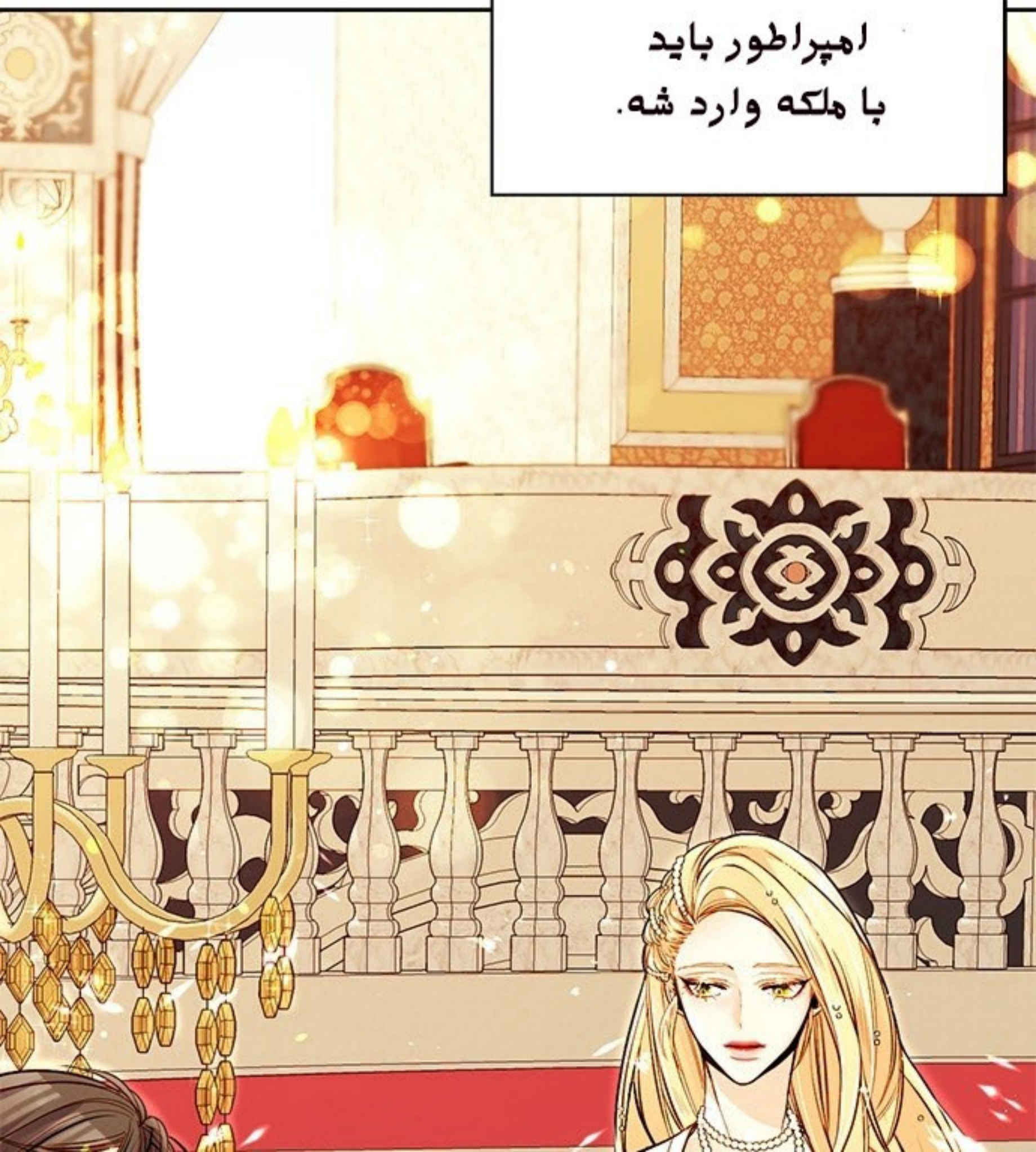
امیدوارم بتونم اربابتو اینجا
بینم.

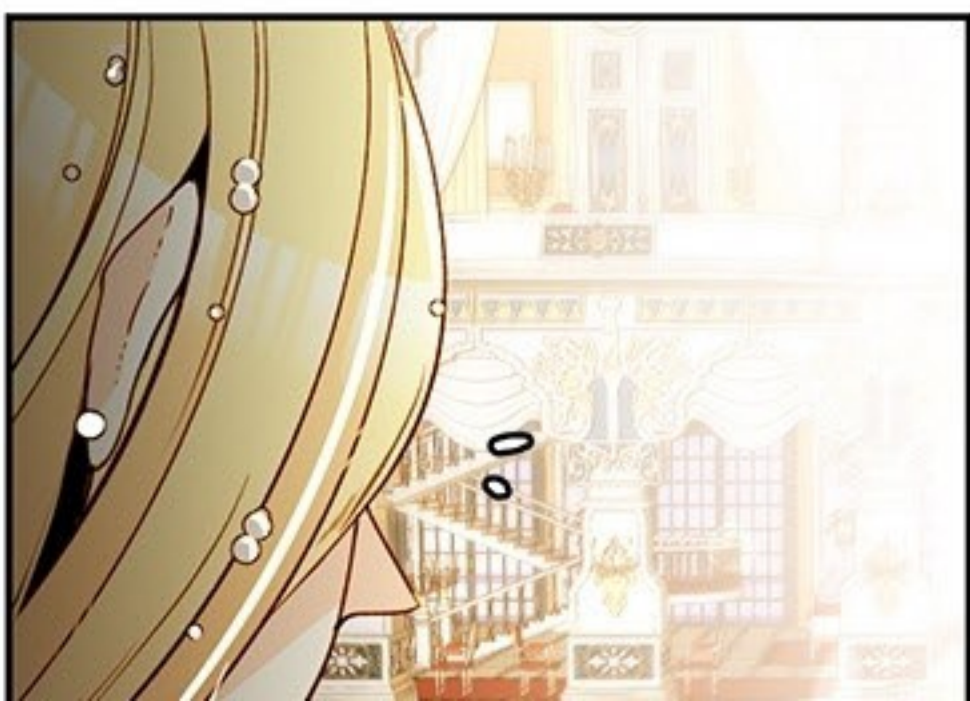
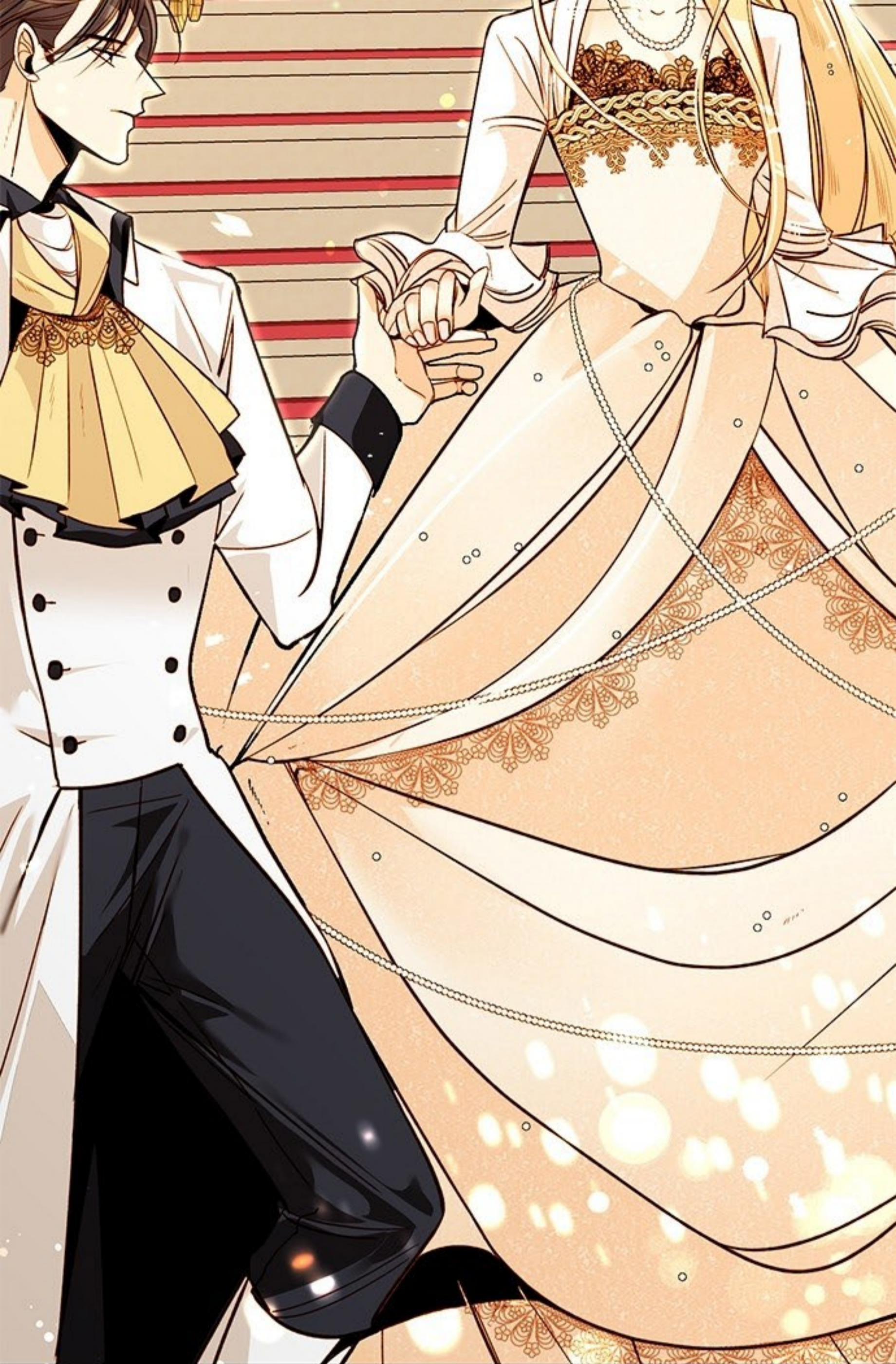
부
조
조
조

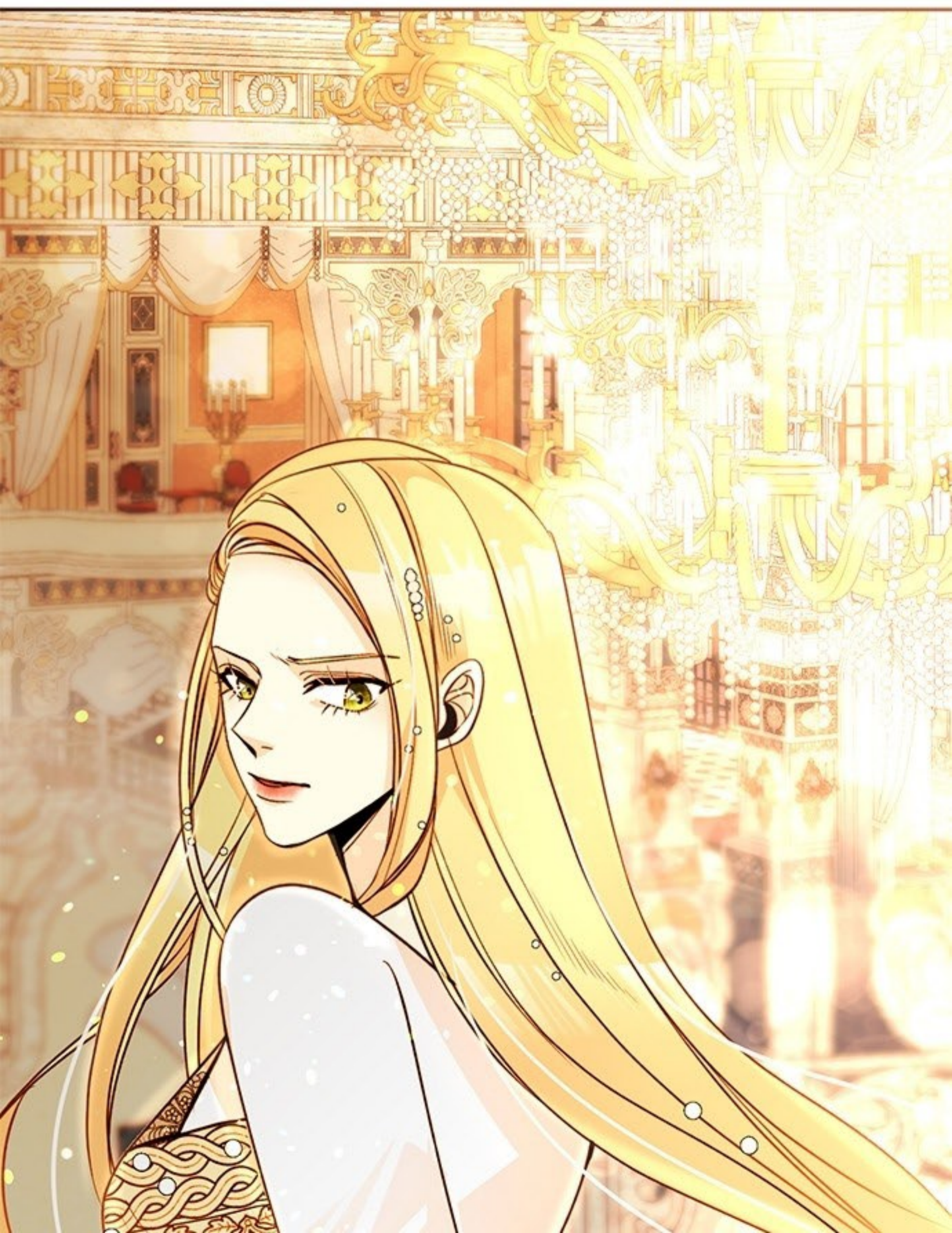
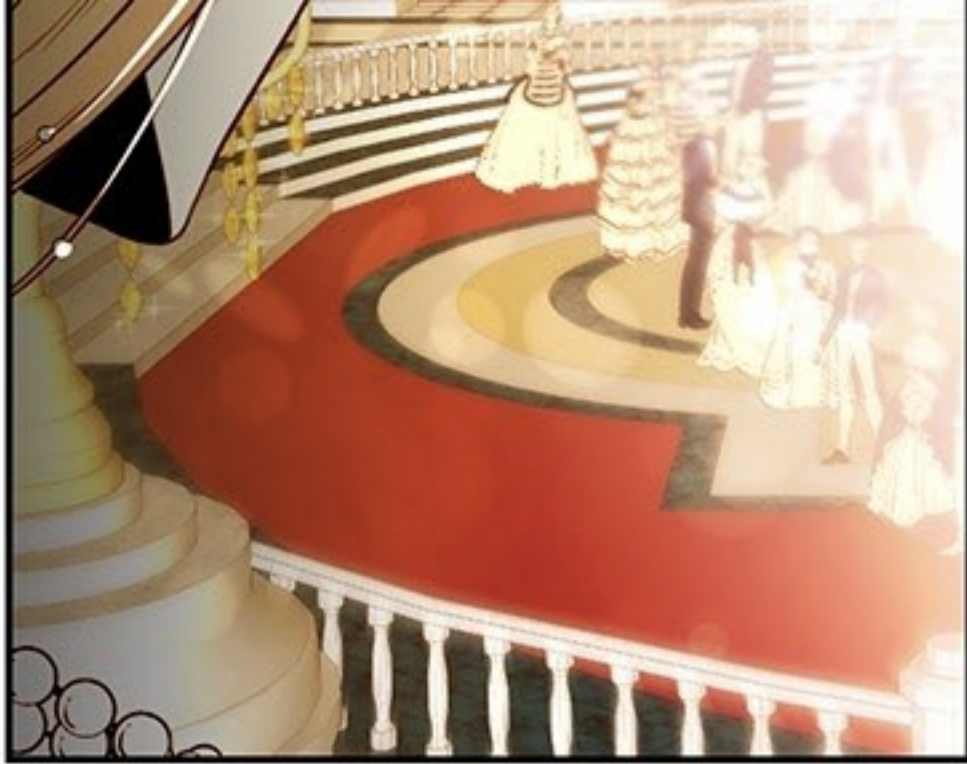
روز اول مهمونی.



امپراطور باید
با ملکه وارد شه.









چجوری یه صیغه میتونه بیاد
به مهمونی سال نو؟

To be continued



H.BROTHERS
와 이 브 라 더 스

도움 바루

از شما بابت خواندن کارمان ممنونم. لطفا
کپی نکنید و بدون منبع کار ما را جایی **نگذارین**.
شما میتوانید با لینکهای زیر از ما حمایت کنید.



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/IriSekai/



IriSekai191008@gmail.com

